

سازمان بیکار در راه آزادی طبعه بیکار

۱۶ صفحه

۶۷

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۵۹ - ۲۰۰۴ میلادی

در صفحات دیگر این شماره

- براسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام ۱۶ صفحه
- بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دوبرس در مشهد ۱۶ صفحه
- روز به روز جنگ مقاومت در کردستان ۵ صفحه
- بنامست ۱۳ مرداد: جنسیت سروطوبت و خیانت سازندگان (۲) ۷ صفحه

در شهر سنج ، شهر حماسه و مقاومت چه میگذرد؟

۵ صفحه

"مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون پیامون یاوه های شیخ محمد منتظری"

حق شناس محمد منتظری با حق شناس تراب حق شناس پیرامون پیامون یاوه های شیخ محمد منتظری

۱۱ صفحه

«لغو سود ویژه» و حزب جمهوری اسلامی

لغو سود ویژه و جناحهای هیئت حاکمه

وزیر کار در جلسه شوراها کارگران چه گفت؟ ۳ صفحه

فلسطین در جمهوری اسلامی هم "لحاف ملا" است

● آیا میدانید روز قدس هیچ ربطی به مبارزات خلق فلسطین ندارد!!

سرمایه گذارهای امپریالیستی در شوروی

سوسیال امپریالیستی

در طی دهه های اخیر امپریالیستهای آمریکا، روسیه و اروپای غربی در شوروی و کشورهای آسیای میانه و آفریقا سرمایه گذاری کرده اند. هدف آنها سرمایه گذاری است تا با سرمایه گذاری در این مناطق بتوانند منابع طبیعی و انسانی را به دست آورند. این سرمایه گذاریها در واقع سرمایه گذاری برای استثمار است. امپریالیستها در این مناطق سرمایه گذاری کرده اند تا بتوانند منابع طبیعی و انسانی را به دست آورند. این سرمایه گذاریها در واقع سرمایه گذاری برای استثمار است.



در هفته گذشته هاوی بسیاری سرخسخت از "قدس" مردم و از فلسطین برپا بود و ولستردن جمهوری اسلامی هر چه توانستند در باره "حماسه" و "قدس" سرزمین زنده بخوریکه اگر کسی از ما عیت قضا با ما عورتا ندیمکن است سال گذشته در پشت این سرودها ما طیفی همپخته است و جمهوری اسلامی واقعاً به فلسطین کمک میکند. مسئله فلسطین که یکی از ما دلانه ترس ما کسل در مبارزات حق طلبانه خلقها جهان است و باره موردیتشانی تا زمانها و حزاب راستین کمونیست و سربوهای انقلابی در سطح جهانی بوده است. تا زمانها و گروههای کمونیستی و انقلابی ایران نیز با حال با حمایت و حرکت مستقیم در سرودها دلانه خلق فلسطین نشان داده اند که طبعه کارگر و رحمتگان ایران متحد خلق فلسطین در مبارزه علیه استعماریسم و امپریالیسم و امپریالیسم و ارتجاع میمانند. بسیاری بودند رفقای کمونیست و انقلابی که در کنار خلق فلسطین رزمیدند و در کنار خلق فلسطین و با دربار زنگنه به ایران بدست رزم دادند و به آنها دسترسده اند.

از طرف دیگر مبارزه ما دلانه خلق فلسطین همواره از سوی سربوهای ارتجاعی عرب و سربو عرب مورد سوءاستفاده بوده است. امپریالیسم ما نتواند با فلسطین خائستند و ی

نقشه در صفحه ۹

دشمن اصلی خلقهای ایران

۹ صفحه

ماهیت حزب تود تغییر یافته یا ماهیت اکثریت فدائیان

با واقعا کارکنان سوسیالیست و کمونیست

پایان رسیده است آیا کارگزاران سوسیالیست و کمونیست

مارکس و انگلس روسیونیت است

انقلابیون و سوسیالیستها

اعراب سوسیالیست دیکرات که بیش از ۳۰ سال

نیو طبقه کارگر اروپا را رهبری کرده

سوسیالیست نیستند و اروپا را رهبری کرده

روز اولیوگرا میورگ میگویند یک لاسه

۲ صفحه در صفحه ۲

چرا رژیم جمهوری اسلامی

بازماندگان شهدای سینما

رکس آبادان را سرکوب می کند صفحه ۱۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران



مصاحبه با رفیق تزاب حق شناس پیرامون یاوه‌های شیخ محمد منتظری

حق شناس: "محمد منتظری با فحاشی به من، درمادگی خود و طقه و ایدنولوزیش را نشان میدهد"

سوال: برای خلق با گوشت است یا بیگانه است؟
جواب: هدف از این مصاحبه ویا بیگانه است؟
جمله گندکان و ما هرستان و وحشی که از زنده نیروهای
کمونستی و انقلابی دارند با طرف راست از زمان و در
فلسفه ما "تنگر" تحت تده "سپهرات" بدون مقدمه
بیا سخ شتولات شما میروم:

با دات تکیه زده است. معانی جدیدی تا جمله سیاه با داری آن
ترتیب داده و طوطی آن هر چندی که میزانش آمده فارغ
از زده ای حیا و بدو را رنگ جوانی و کتیا کشته طغیانی
خودت را زمان مجاهدین و رفیق تزاب حق شناس
(که چندین سال بر اساس موضع طغیانی و بیست با سب
خود غصوبت آن زمان را داده و بوده است -
تا بدین برای برخی غیب شما بد که چطور گمانی که
است چنین "مطوره سر محراب و منتر می کنند" و پیوسته از
اخلاق و صدق و راستگویی حرف میزنند و در مدت دروغ -
گویی و نهمت داد سخن میدهند وقتی پای عمل بیست
سازد در دست خلاف آن رفتار میکنند. اما نظرها محبت
نیمت زیرا اخلاق محتوی طغیانی دارد. سر ما به داری آن
و خرد میورزوها پس از کت قدرت، چاره ای جز این
ندارند که بیکبار از تمام اصول و مفاهیم اخلاقی را کت
تا کتون آن دم میزنند، در راه حفظ منافع شقیانین
زیر پا بگذارند و دست خود را پیش ازین رو کنند.

جمله بیجا یا نفلات ۳ رگان سیا به یاداران مورخه
۷ مرداد جاری بر اساس و طقه ای که در خدمت بیست
دشمنان خلق داده بروی آن "توده و نشان" جمهوری
اسلامی منجمله شیخ محمد منتظری به "مصاحبه" تشبیه
و علیه ما زمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای
انقلابی کمونیست به تشریح فحاشی و اتهامات سرابسا
دروغ پردانه است. اقدام این آقایان نطفه ای است
از سلسله توطئه ها که میورزوها و خرد میورزوها
غلب ما نداده و فدا انقلابی برای سرکوب نیروهای انقلابی
و کارگران و زمینگان میهن ما انداز می بینند.
وجود ما هدین خلق و نیروهای انقلابی جنستی
کمونستی برای قدرت جا کمینتا به جاری در چشم
استخوانی در کلاوات و بدو جری حضرت راه سر نه ای
عقلان آور کت شده است. آخر خوردن این نیروها
سهل نیست. این لقمه گلوگیر است و از همان فتردی
لقیم میورزوها و خرد میورزوها ای بقدرت رسیده را به
تا بودی شهید کرده است. آنها دیوانه و ادر کرده نشان
و ترکمن محراب و خورستان، در کارخانه ها و دانشگاهها و
حما با آنها نیروهای انقلابی را مورد بیورن قرار داده -
اندولی ما لیا نتیجه معکوس گرفته اند. مسلماد منشی
آنها بلا جان نشان خواهد شد زیرا نیروهای انقلابی،
زمینگان و توده ها ای و فضا نده خلق را با سرکوب و
زور و فریب نمیتوان از میدان بدر کرد. ما به بیوروی
توده ها و زمینکش، اطمینان کامل داریم چرا که این
حکمتا ریخ و فضا زده طغیانی است.
از روز چهارم شب ما که آیت الله خمینی طی بیست
سخنرانی مرینتوا ریخت مجاهدین خلق را مورد انهام
قرار داد و دو وحشت رژیم ما کرا از شد روز افزون نیرو -
های انقلابی بیشترا تگا رکود، جمله به نیروهای انقلابی
و تشار سیل نهمتا و دروغهای و فضا نده که کمونیستها
و انقلابیون تنگی تا بدین با آنها عقلمان افزونتر
گفت. هر کسی که در با آنها ای قبل به سوراخ خزیده بود،
هر قهر گنج و بلانگلیبی و هر خرد میورزوی محافظه گاری
که در نتیجه نا آگاهی و توهمات توده ها اکنون به
قدرت خزیده است سرزابلند کرده و برای گویندن میخ
"انقلابیگری" خود یعنی راه سوی کمونیستها و
مجاهدین خلق برتاب میکنند. اما مگر ستود حقیقت
را با دروغ و لجن پوشاند؟

- چرا آقای منتظری و ده ای دیگرانه اصطلاح روحانیون مبارزانه ای گذشته را از ما هدین و وحشی کمونیستی پشتبانی می کردند ولی حالا که بقدرت رسیده اند اینقدر روحانانه پاهوش می دوزند، لجن پراکنی می کنند و دروغ و توهمت می زنند ؟!
- هر کسی که در با آنها ای قبل به سوراخ خزیده بود، هر قهر گنج و بلانگلیبی و هر خرد میورزوی محافظه گاری که در نتیجه نا آگاهی و توهمات توده ها اکنون به قدرت خزیده است سرزابلند کرده و برای گویندن میخ "انقلابیگری" خود یعنی راه سوی کمونیستها و مجاهدین خلق برتاب می کند. اما مگر می شود حقیقت را با دروغ و لجن پوشاند ؟

با آن در زمان مجاهدین خلق ایران گذشته است
را) و از با آنها ای ۴۰ سال ۵۴، من بر اساس موضع
طغیانی و ایدنولوزیگی خود بداری آن سالها سادر آن
ما زمان معالمتا دشمنان ما بر ما ای سچار و فکری
و معنی که در کورا آن ما زده و با روی علیه امپریالیسم
ورژیم شاه مائین است و خت بودیم هزاره با نده قابل توجهی از
رفقا مارکسیسم لنینیسم را بدین بیا ندم. در تکرده، ما معا زده
انقلابی خود علیه امپریالیسم بودیم و یکتا توری طغیانی
را در فکلب ایدنولوزی مجاهدین که برده تشبیه ای
مترضمانه ای را از فرهنگ اسلامی ارا شده پیدا دمنعکس
و فابیل زمین میدیدیم و هنگامیکه به اشکالات آن پیش
وضعیا پیش می بردیم چون سنگبری فطمی بیسوی
بیولنا ربا داشیم و همدما آن ما زده بیور و علیه
امپریالیسم و روحانی زمینگان ما بویزه طغیانه را رکوب
تردید در کتار گذاشتن پیش گذشته و قبول مارکسیسم
لنینیسم کردیم. من به چنین تخیلی در حیرت انزاسی
بخش مهمی از اعماق ما زمان (منجمله خودم) افشار
منکبسی آنکه بر سر و منشا و برخی اشکالات را کتدر
جریان آن تحول در این بخش سو فوج بیست بخا هم
تا دیده بگیریم. تحلیل و نقد آن جریان تا با رفقا از
جانب سازهان ما بیکبار - هر چند مختصر اعلام و منتشر شده است
من گوشه طای ازیواسط سازمان، معا هدین خلق
ایران با آیت الله خمینی و روحانیون دیگرزاکه
در آن سالها بر اساس نهادی که خرد میورزوی با
امپریالیسم و رژیم شاه است، با آن رژیم میورزوها
می کردند. در با سخی که به سخنان آیت الله خمینی
(مورخه ۴ شهریور ۶۰) پیوسته ام آورده ام. قسمت اول از آن

بدین حال نظرم کمونیستی و روحانانه مجاهدین آیت الله
خمینی در چهار مرتبه ما گذشته که جزئی از سرتما بیست
وسیع هيات تا که برای سرکوب کمونیستها و دیگر
نیروهای انقلابی بود. بسیار فرصت را نهمست
شورده گویند با جمله و آنها بود و در هر چه سرکوب
گوی بیعت را در خدمت به دشمنان انقلاب و امپریالیسم
آمریکا از یکدیگر سرتما بند، مایله و سرور و ما جمهوری
اسلامی که چنین موضعگیریها "فضای طبیعی میباید
آقای دعا شی سرپرست معنی روزنامه اطلاعات، طغیانی
رفسغانی، آیت الله ربانی و آیت الله منتظری و
مشکبسی و با لاهر شیخ محمد منتظری هر یک به فرا خور
موقعیت خویش در این کارزار ارتجاعی شرکت میکنند
و آنها ما ت دروغها و تحریفات آن با رها و با رها از
را دینولوزیسیون، بخش و در مضامعات درج کرده.
در با سخی معان آیت الله خمینی و تحریفات
آشکاری که علیه نیروهای انقلابی، مجاهدین خلقی
و بویزه دونفر از رفقا ای ما (حسن روحانی و تزاب حق
شناس) که در سال ۶۰، همسوان نما بندگان ما زمینگان
مجاهدین خلق ایران در نقد با آیت الله همان گفته
بودند و وجوده است. ما با سخی معنی تهیه کردیم که
مقدمه آن در بیکبار ۶۱ چاپ شد و داد ما آن بخا طبرخی
گرفتار ربا و اشکالات فنی به ما خبر افتاد.
اخرا شیخ محمد منتظری هر - ما نظرها کتدر
اینده ای این سخن گفتیم. در ما حده ای با جمله سیاه
با بداران مورخه ۲ مرداد - ما به و گویشهای و فضا
- ای پردا خت و منشا رفیق تزاب حق شناس را سورد
جمله های ما جوانردا به خود قرار داده است. در این
ما رها رفیق به ما حده نشتمتا حقیقت فضا بسا را

آقای شیخ محمد منتظری، عزیز در ده تده جمهوری
اسلامی، بولیمه در ده معتر مولایت فقیه هفت شرکت
روزهای پس از فضا، که چون عضو شورای مرکزی حزب
ما کم و فرزند فقیه ما بقدر رسد از هر گونه تعویبی در
جمهوری اسلامی و ما مع "مدل ملی" من ما ند و فقط از
سوی پدر خویش به دشمنان اختلال حواس و روانی سودن
موسوف کت (۱) او، امروز بر کسی نما بندگی مجلس
شورای اسلامی - که ما ای است تا بیست و ارا زمینگان
(۱) - آیت الله آقایان ما حده نشتمتا حکم این "فقه" را
که "ولایت" همدا ردد مورد خودشان اجرا کنند و بیست
بند را بقیه و دیوانه نشتمتا آورند، آخر ما هیت منتشی
بر زمینش دادگا و بویزه معمین و اعکا م "خلق لیا" -
سوی پیشینه تاریخی این نظام اسلامی است و چسبون
داغ تنگ بر پیشانی این رژیم می ماند.

پیکار

سال دوم - شماره ۴۴
دو هفته ۲ مرداد ۹۴

از فضای دنیای ما مانده‌اند و در سرزمین آفاقی بنا م‌معین شیری با حضور هر سه نفرمان تبدیل از آنها انتفا دگرگرم و گفتم شما با به حالت یکسند که جنسی اختلافاتی کودکانه در این شرایط حس سازنده‌اند آفاقی ن ظاهرا بحث با تفریرا گرفتند ولی فعلا خبر کدا مبراهمودیتشاهی ادا نه‌اند برآستی که آت سواله‌اند که آوارایو مطاضای منون سازیکرده‌اند! آفای منتظری اگر راست میگوید که ما را در آن روزها با مطلق منحرف م‌اندانست جراد و نفس‌سراز دوستاش را در عراق برای آموزش نظامی در اختیار ما گذا رده‌ما چندین ماه آنها را در کنار افراد خودمان در با بگا و بی‌زه‌ای که در فلسطینی ها گرفته بودیم آموزش دادیم چراغرا موش می‌کنند که غیب نفرودیکر از دوستاش را در سال ۵۹ در سوریه برای آموزش نظامی در اختیار ما گذا رده‌ما یکی از رفقا مان را مستخوان ستول آموزشی وحل و فصل کارها با یی در یک با بگا فلسطینی منعی کردیم!

آفای منتظری امروزه ما همدین و کنا به‌طورکتاب آنها به می‌گوید ولی فراموش می‌کنند که همدین در با شش سال ۵۴ تعداد قابل توجهی از کتابهای اولیه ما را منعی دفاعات بنیاد سعید محسن و طی منعی دوستان و شناخت و افتخار ما در دهه ۶۰ را برای ارسال به داخل آرمای خواست و ما لاخره آنها را ورا سکونت جبراً تا همان سال ۵۹ حتی برخی امکاناً به نظر نمی‌رسید با سیورب جعلی را بطوریکه قابل در اختیار هم قرار می‌دادیم؟

بعد ما مسئله نفس‌سراید نولوزی و اعلام مواضع ما را گسختنی یعنی از ما زمان مطرح شد که ما به کلیه جنبه‌های مثبت و منفی آن درختیل‌های خودمان به تفصیل برده‌ایم. اما آفاقی منتظری می‌پرسد چرا حتی پس از اعلام مواضع در اوایل سال ۵۹ همدین در سره‌های خبری ما برای حضرات درخت حاکمیت سوخته بود (انرا مرحوم ملامتی که از خودمان بوده در وقت من گفت و خواستار ادا م‌د سال آنها شد و آرا آنهاست) منبع خبری اداخل دانست.

ا‌دا م‌این مباحثه را در کتاب «آینه‌خوا همدخوان»

انقلاب را نیمه‌تمام میدانند و در راه پیروزی طبقه کارگر همچنان به مبارزه ادامه می‌دهند. آن همگاریها و وحدت‌خدا میرزا نیستی گذشته‌ها را موش کشوده در دفاع از مواضع راست و ارتجاعی خود به لحن مال کردن معاهدین و کمونیست‌ها دست می‌زنند. محمد منتظری در معاهده این می‌گوید که از همان اول کتابهای معاهدین را کتابهای اسلامی میدانستیم بلکه آنها را کتابهای مارکسیستی یا لئنیستی می‌نامیدیم. می‌گوید که ما باید از ایشان پرسیدیم چرا شما چند نفر - که تعدادشان به شما را نگفتن - یکدست می‌شوید و همه ۱۲ حزب آیت‌الله خمینی را تشکیل می‌دهید! آنقدر به صرف نام نشان ما با پیش این وان افتخار می‌کنید؟ چرا شما حتی دو سال پس از انتشار کتابت شناخت همچنان در بسیاری از امور از ما نطرح‌های و مشورت می‌گیرید؟ چرا ما آنکه آیت‌الله خمینی ما را تا نشدند که می‌توانستیم سرسین فردا را شما یعنی آفاقی دعای شیبا نیز از فعال شکلات ما بود و ما موریتها و فعالینها را با حتی آرایت‌الله - خمینی بعدت چند سال مخفی می‌دانست اگر شما نبودید که در سال ۵۴ زمانیکه برای اولین بار طی آن سالها نواخته بودید چند هفته بلی گپی احزاب را از داخل ایران را زانهد و بیخ کسب متخفا ما (در آن زمان معاهدین خلق) را مورد پستی‌مانی قرار داده‌؟

جراد در کلیه فعالیتهای ما - که از روز سرتان تا ن‌دانی ن‌ده و آنها را یاد کرده و تحویل مردم ما نگاه می‌دهد - از ما کنگ می‌گرفتمند؟ همیشه مطالب تبلیغی گرفته تا تاناب بدن و تا من روزها به‌ها و اخبار ایران و منطقه با مشورت دنیا ره‌گرفتم یک استیگارا دیوشی خاص برای روحانیت ما را؟

اگر ما دنا نسبت از آفاقی دعا می‌گفتیم که جنسی تا لا حافظه‌ها را از ما می‌پرسید - پرسید که حتی ما را آن استیگارا دیوشی را - که چند ماه در اوایل سال ۵۴ ادا م‌دانت - من انتحاب کردم و آفاقی دعا می‌تا آخر ۵۴ تریه‌خبری معاهدین را تا جوقکمال از آن زادیو میخواند و نوشته‌های مرا (که از سال ۴۹ مرتب برایش می‌نوشتند) البته همگی ملهم و مرهون آموزشهای سازمانی بود اما رها و تا زمانی که فریب ۴ سال چه در ادا م‌دانت و چه در استیگارا دیوشی خاص روحانیت ما را زنگبار

می‌کرد. آنرا اما می‌گفتم که آنچه گفتم جزئی است تا چیز از همگاریهای منقایی که من با وعده‌ای از تو حاسبون ما را زنگبار - در آن سالها ادا م‌دانت - این فعالیت مشترکی بود علیه دشمن مشترک و ما انرا وظیفه خود میدانیم.

آفاقی منتظری در سخنرانی‌های خود در فلسطینی و خیمکتان و بیروهای فلسطینی و انگلیسی فریاد گرفته است آنقدر در فرمت ظلمی عراق است که در ما ندگسی، گمچی سردگمی و استیغال خود و همگاران خویش در آن روزها را فراموش می‌کنند و ایندش می‌رود که ما چه احسان سارو احترام و جیتی کریش خرد بورژوازی به مانگاه می‌گردانند.

آفاقی منتظری شما بیجا دادار که در سال ۵۱ وقتی به حفا م‌دانت‌ها ده‌گردد که در حول و حوش آیت‌الله خمینی حتی یک هفته چند نفری از طلب ما را ز وجود ما رها او بسیار گوشید بلکه چند نفر ظلمه ما را ز موجود را بخشوی ما را مانده‌ی گندولی نتوانست! همان به‌چهار نفر ستر آنقدر گرفتار خودخواهی‌های بیجا نبودند و آنقدر بر سر آنکه چه کسی مثلا اعلامیه معاهدین یا دیگر سربهای ما را برای زودتر از دیگری به دستش برسد خود را دارای روابط با آنها معرفی نکنند ما هم اختلاف داشتند که املا ایشان به یک جوی تسبیح است. تا بدینان فراموش نگردد ما شند که از من خواستند برای صحبت کردن و رفع اختلاف بین خودش و آفاقی دعا می‌گفتی و آفاقی ز - (که حلالا

نوشته در پیکار ۶۱ منتشرند و دنیا له آن سیرک متخفا به ملاقا آنها و تماهای من و رفیق حسین روحانی به عنوان نما بندگان ما زمان معاهدین خلق ایران در آن سالها با آیت‌الله خمینی برده‌ایست منتظر خوا همدند و در اینجا لزومی به تکرار آنها نمی‌بینم.

البته مطالبی هم در رابطه با خود ما زمان معاهدین خلق وجود دارد که ما به‌آنها در ملامت خودشان است. در با سخ به‌سوا ن شما تا آنجا که فرصت با تدا م‌ده هستیم که به‌فرصتات و ذرونها ی ما خواهش‌ها و عوفاخانه آفاقی محمد منتظری شما بنده مجلس شورای اسلامی اثاره کنوا ما هم منی شما می‌گفتیم که ما به‌سوا ن شما می‌گفتم که ما چنین حرفی استعلا نه‌ده‌ما شد الحقی که منتهدین بورژوازی و شما را از رده‌اشان طبقه کارگر برای تیل به‌معلوم به‌هیچ‌اصلی جز حفظ قدرت خود با بی‌بند نیستند و هدف برایشان وسیله را توجیه می‌کنند.

سوال: آفاقی شما با محمد منتظری به چه زمانی بر می‌گردد اگر گذشته و وظیفه‌اش چه می‌گردد و چه نظری نسبت به ما زمان معاهدین خلق - که شما عنوان سویده - داشتند و روایتها با شما چگونه بود؟ آیا موقع خصمانه‌گونی را دیدندت نیز داشتند ام‌وضع شما در مقابل آنان چه بود؟

جواب: من آفاقی منتظری را برای اولین بار در سال ۵۱ در تبعه در منزل آفاقی دعا می‌سرپرست لطیفی روزها به‌اطلاعات - که در آن زمان می‌فکانت ما زمان بود - دیدم و ما من و همگاری نزدیک من ما که ما بنده ما زمان معاهدین بودیم و او که از جمله چند طبقه با مطلق روشن و ما را ز آن سالها بود تا سال ۵۴ ادا م‌دانت. شما هم تقرا اینها ی طبقا تسمی اید نولوزیک من ما و آنها همگاری فنی ما من را سهیل می‌کرد. طرفین دلایله را خرد بورژوازی تحت تسلیم ایران را تا بندگی می‌کردیم با این تفاوت که ما به سمت زحمتکشان ترین اقشار خرد بورژوازی و طبقه کارگر جهت‌گیری داشتیم و لا جز ادبک اسروا نظامی بر بودیم و علاوه بر ما زمان در حفا قابل توجهی ما زمان با م‌ده بود و اید نولوزی ما را ایدانه انجیر رفیق‌شناسی بر خورده بودیم و موریتیکه آنها بعدت دجا رنگی و سرد

- گمی و بی تشکیلی بودند و ثلت روی آوردن و تانید و همگاری ما ما زمان بود که معف و با سفیم و داندگی گور و در حضور فعال و متشکل ما در پیینه ما را باغلی با رژیم ما خیرا شده میدیدند و ما را در دنگس آن نور ما را را ی و فاطمیت انقلابی را که آروودا تند در وجود ما بحجم میدیدند و آنکه خود طریقت جنسی فاطمیت و ثوری را ادا م‌ده‌ما شد. آنها فرصت طلبانسه - علمبرغما اختلافاتی که در سرتا م‌دانت ما و آنها از اسلام وجود داشت - تا ز مند بودید چنین وانمود می‌کنند که "ما ما" هم می‌توانند مبارزه انقلابی کنند و تشکیل

دادند ما شد و میدان در انجا را کمونیستها (در آن زمان نداشان خلق نیست. در واقع یکی از طلب میانیسی آنها به ما موقع خذ کمونیستی شان بود از سوی دیگر عینه‌وسیع ما را ز هدا میرزا نیستی و در رژیم شاه‌وران سالها و ترکیب طبقاتی نیروهای انقلابی ما فردی به طوری بود که تمام افاشار خرد بورژوازی از جمله خرد - بورژوازی مرفه‌منشی در جنبه واحدی علیه دشمن مبارزه می‌کردند.

حالا که آفاقی منتظری و دیگر خرد بورژوازی هسای و بیگرا و بورژوازی با را ی (بسیار بعدت رسیده‌اند برای حفظ قدرت خود و در راه مبارزه با نیروهای که

xalvat.com

بهبه از صفحه ۹ مباحثه ...

گفته درین های با بهای : ادبیات عرب ، متعلق و اصول
و فقه را خوانده ام (که فعلا البته بر ایام مهم نیست و هیچ
اشغالی هم ندارد) علاوه بر این دروس رسمی ، تفسیر
السنن دروس های اصول عقاید تا امریکا زوم تفسیر
های صدرها مدروسی درین های تفسیر آیت الله خاقلانی
در مسجد هدایت را که بعد از کتاب "پرتوی آفرین"
مستترند "دولتینما" فرا گرفته ام. این بود که آنها
حرفی در برابر من نهادند بعد مطالعات حسی
اند تئولوژیک مجاهدین را تا بن خوانده و اطلاع دارم.
این نکات را (هر چند جزئی و چه بسیار بی فایده و نکات)
از این لحاظ گفتم که "تئولوژیکی جمهوری اسلامی
همان حرفهای ۲۰-۳۰ سال پیش را که در کتب و
پوسه های همشانی ندارد امروز در مطبوعات وارد تئولوژیست
بنامان حرفهای جدید و نامتلفظی بگوش جوانان
همین با فرومین کنند! بگذرم.

من پس از آشنائی کامل با زنده ترین سخنانش که در
ساره اسلامیه مستند عملی معادله بر اساس آن برده اند
و در گوران چندین سال مبارزه انقلابی با رژیم
فوق خوارانه مارکسیسم را به یزید فرستم تا کند میگویم
قبول مارکسیسم از طرف امتثال من نه از سری انقلابی
از ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقاً بخاطر اطلاع از آن
بوده ام ای منتظری و امتثال او برای راضی کردن خود
و تحمیل مردم تفسیری از کار من (و هرگز ما نمیکنیم
برخی از آنها استاد من بودند) می توانستند راه دهند
چونیک دروغ همیتری! حرکت دروغ زدنانه! از تئودسی
که نقل کرده این حرفه همیتری ارتجاع علیه کمونیستهاست.
آقای محمد منتظری، موضع طبقاتی ایشان را و جایزه
منی دهد رک کند که رسیدن ما به طیفست جهان مسئول
مارکسیسم استیم که تنها ایدئولوژی را همسای
طبقه کارگر برده نابودی سرمایه داری و بیاض انگاری نصر
تا یعنی جدیدی در حیات انسانها - یعنی حوسه استیم
است تا از سنت گیری انقلابی ما بسوی کارگران و
زخمیگان و در مبارزه علیه امپریالیسم است. او و
همینا لکنی ها بن جهان را - علمبر غمناک را بکشند -
هائیان در "جوهر فلسفان" خلاصی کنند. در "بیت" شان
همیند تاال همین چیزها هستند. عقده های تالیفان به
آنها اجازه رسمی داده که چیزی جز این بنسند. آنها منی
که او بن زده آنقدر برت دروغ و فیهما نه و در دیلانسیه
است که فقط آنرا از یک ندا انقلابی تمام عیار مارکسی

که دقیقاً در صف مقابل کارگران و زخمیگان قرار دادید
می توان کنید.
سرمایه داران و خرده بورژواژی عقب مانده در
سازمان کمونیستها طبقه کارگر آفند و بیجا ردا ندکه
به جنین ریمانها می بوسیده ای جنگ میزنند. آفتاب
منتظری و همینا لکنی بن که آنها در "دما" تالانسیه
(جوتها ای نه گانه جنین و طباق و استخاضه او و مال "حور
ولفمان" را از زووستها ای آمال خود میداند که حرکت
این مرغرفات چه جایزه؟ آیا این احفان نه نیست که
یک فرد مبارزین از با زنده مال مبارزه ای آمان در
سال ۵۶ ، تفسیر ایدئولوژی خود و تسل به حقیقت
مارکسیسم استیم را از نظور که این شیخ بیترمانه
منگوبه نویسه کند؟

انقلابیون و کمونیستها در بین مردم شورآگاهی
می آفتانند و این برای ارتجاع بدترین صربه است
و همین دلیل است که چون یک کاربجان این سبوحا میافند
(تصمت آخر ما حبه را در شما زنده میخواند)

* * *

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سازمان پیکر در راه آزادی طیفه مکرر

۱۸ صفحه

پیکار

xalvat.com

سال دوم - دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۵۹ بها ۲۰۰ ریال

انفجار اسباب را هزاری گساران بیش از صدها کشته و مجروح از بس زحمتگان ما بر جای گذاشت. در جامعه طبقاتی، این کارگران و زحمتکشان هستند که از خون و عرقشان زندگی بهشت و آسایش برای شما به داریان فراهم میشود و با زحمتکشان هستند که تا وان مساجد کا ریبها و لاقیدیهایی شما به داریان را با جان خود میپزدانند. شما محکما ریبها شی که دقیقا از گسارش شما به داریان نسبت به جان کارگران و بی ارزش دانستن آن ناشی میشود.

ما این مایه را به طبقه کارگران و بیه خانواده های آن زحمتکشان تسلیم نمیگوشیم و بسرای نابودی هرگونه ستمی از طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تا پای جان مبارزه میکنیم. این بیمان ماست.

پیکارگران قهرمان رفقا :

مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی




بدست رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند

زنده باد پیکار توده ها!

نسخه شماره ۱ از اعلامیه سازمان دربار و نیروهای پیکار را به رفقای پیکارگر مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی. : نسخه در صفحه ۱

موضعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق

با تمسین رجایی به نخت و زبوی - حزب جمهوری اسلامی یک کار دیگر در کت قدرت بیشتر به جلوسها بود و مقابل انبیرالها "و محفله سنی مدیریت گنام دیگر در برابر حریف قدر و بر قدرت خویش به عقب نشینی و ادا رفتند.

اکنون بیس مدربا شما ما بسوی و تا کتیکها بیس به آسان به مرحله نفسای نفسی سرسده که با بسایرت بیشتر حزب جمهوری اسلامی در برابر جمهوریتسوان نموده است. یعنی نفسا جزا کشته دهه ندها و انصاح نگا سها انوارات این قدرت گیری و بیشتر حزب جمهوری اسلامی خت سرکوب که خط حزب است در برابر ختیکوب و زحمر (و با حمایت و ان سببسی "الامیرالها" بسفیه در صفحه ۱

رفسنجانی ، امپریالیستهای غرب و ژاپن رابه اتحاد در برابر کمونیسم دعوت کرد

از قدیم گفته اند : "کوما کیسم تا بگویم کیسی". کتبان ۲۸ مرداد از قول رفسنجانی "رئیس "مجلس شورای اسلامی" نخل میکند کوی در لایات با بسفوی ای کتورهای ایسا لیا ، بلژیک ، هلند و ژاپن آنها را با ایداعا در برابر کمونیسم فرا خواهد ایداعا است.

انکه جمهوری اسلامی ایران سته نسها خواهد بسر هم خوردن و منلانی شدن نظام امپریالیستی جهان سببسی نسفیه در صفحه ۲

رزمندگان و مسئله رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی

صفحه ۱۷ (قسمت دوم)

با چشم باز در افق خونین کردستان :

(خاطرات یک سرباز)

صفحه ۵

در صفحات دیگر این شماره :

- باسخ به نامه ها - صفحه ۱۲
- دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه - صفحه ۱۱
- شهادت خلق در قلب زحمتکشان زنده اند - صفحه ۵
- مبارزه و بیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی - صفحه ۴
- مراسم بزرگداشت یاد رفقای شهید مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی - صفحه ۱۶

امپریالیسم در کرداب بحران اقتصادی لهستان :

رشد مبارزه طبقاتی و رسوایی رویزونیسم!

صفحه ۷

تعطیل کردن دانشگاهها، خدمت به امپریالیسم است

دانشگاه مکرر آزادی ، علیرغم خوانست ارتجاع بسوسنه در دل خودا نسفوسان انقلابی و مترقی را می بروراند. دانشگاه همواره را طلی خویش و مهمترین گانور - های مبارزه امپریالیسم ارتجاع و دیگنا سوری بوده است. مردم مسهن ما طی نالها حاکمیت رژیم سگنا سوری و اسنه بسا میربا لیسمناسه ، تا هدمبارزات خویش و انقلابی ها نسفوسان مبارزه بسوده - اند. این مبارزات که حول دسفاچ ارتجاع سابع بوده های زحمتکشان سها بسکرفت توانست در روند روز بسده خود بسوسنه نسفوسی بسبب دا نسفوسونده های زحمتکشان برقرار کند. بسسین خاطر هم بسرای دا نسفوسان و هم بسرای کارگران و زحمتکشان ما ادا نسفاه بسوسنه مکرر آزادی و از ادگنی و مکرر آکا های نسفیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران



مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یاوه های شیخ محمد منتظری

(قسمت آخر)

با مثال منتظری درست بودن او را مگر خود او و دوستها
تصرفش کردند تا با آنها همکاری نمیکنند امیری
که بطور اصولی اشکالی همیداشت ولی با طبع در
این مورد از موضع بیرونتری برخوردارند خشمگین
مربوط به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود و یا زمان
معاهدین در آن زمان بر می گزیدند .
ثانیاً : کتاب شناخت را آن مبارزین چاپ نکردند
بلکه آقای دعاغی آن را در جای پنهان بر آن نفع چاپ
کرد و زحمت تصحیح جایی و نیز بیخود آن را به تفریح
تا زمان پیموده گرفت بر اساسی منافع تنگ نظران این

که بطور علنی آنها را منتشر مازم . ابتدا آنها را بنام
- به اعتقاد انسان - در آن زمان - و ولیغش
تشکیلاتی خویش در دستور کارمان گذاشتم آن کتابها
که جمعا ۴ یا ۵ جلد میشدند تا ما و مطالعات ساو
برادران شهیدمان تا آن زمان بود اگر سخنه ای از
آنها را در اختیار محمد منتظری و کسانی دیگری گذاریم
صرفاً جنبه اطلاع آنطرف را تا برین داشت نامورد مطا
فرارده هم بود اگر نظرمان در کل تشکیلات درست آمد
نظرشان را تصحیح کنیم حرفهای او در فضاغ از
ما کمیت خصوصی (فوتبکه نظرمان را با جمیع کتابت افشاغ

انتمدیدی نسبی مصاحبه با رفیق تراب پیرامون
دروغها و آنها با شیخ محمد منتظری علیه رفیق منا و
بنا هدین و کمیونستها را در دو شماره پشین خواندید
اسک اداه آن :
سوال : محمد منتظری علت گرایش بخشی اینها زمان مجاهدین
به مارکسیسم در اواخر ۵۴ - ۵۲ را "مازی صهبو -
نسبتاً قلمداد میکنند" در این مورد چه صحبتی
دارید ؟

جواب : منتظری بر ما همه همت طفاغی و ایدئو -
لوژیک و بیوزی با توجه به منافع ما در او رده ای که امروز
بمباد کرده در رد گرایش ما به مارکسیسم در سالهای ۵۲-۵۴
تا جز است . پیگیری ما در سالها از همدا میرا تلمیعی سه
طوری که کل بر ما بعد از راه فرار از دهنای خود
- سوروزی . سدرت رسیده ای ما ضد محمد منتظری غیر
قابل فهم است . این است که میگویند ما کوفتن بر فرود
به رود یوار برای آن نظیری و حولات سوخته ساو
آقای منتظری بنا شده مجلس شورای اسلامی "تازه"
بطلب المانی که از "برکت جمهوری اسلامی فضاغ
ما با است و بی هیچ حساب و کتابی به حیثیت افراد
و سروران ما در انقلابی را احسن بر اکتی میکنند
حالانه دعاغی بنا شده کمیونستها ما را به "این راه"
- که خودی در ذهنی بنما خویش ما اعتناست - کتابت
انداز این آقا زاده گر حسی معنای صیونیسیم را می -
دانست همین حرفی بنمیزد . ما از همان روزها شکسته
آقای منتظری و مراد های ایشان حتی گفته صیونیسیم
را شنیده بودیم و با آنرا نبود بر ما بر میداشتند . ما
آن حرفها به بنا زده میگردیم ایود امیش تسلیمات
را دیوار را شیل است که در سال ۱۹۷۳ همکاری سسین
انقلابیون فلسطینی و معادین خلق را - که انگلیس
نفا لیبهای ما در بنطقه بود - برای ارتقا شیل امیری
خطرناک خوانند . ۵۴ به بعد همه در جارجوب ایدئو -
لوژی مارکسیستی نفا لست میگردیم موضع ما علیه
صیونیسیمتها قاطعا به برایشان داده نشود . از
دیگر هر کس که ما را لیبهای سیاسی منطفا آتنا ما تظ
مندا ند که امرا شیل دشمن ترین دشمنان کمیونستها ست .
آقا زاده "فرا موش کرده اند که فضاغیهای منا
فلسفه امرا شیل و عمال این در ایران منجمده انشکار
تا بیس از حد شرکت امرا شیلی که تشکیلات ما در ایران
نفا لیبهای کرده بودیها در کشورهای عربی در روینده
- های منی و مغربی چاپ شده و نگما رهم در بنطقه دوستان
عربا و عینا امرا انکتیر کردند . حالاً ما در صورت نفوذ
صیونیسیم و آقای منتظری انقلابی تمام عیار از آب در آمد
سوال : محمد منتظری گفته است که کتاب "شناخت" و
"افشاغ دیربیا" بنا شده "توسط معا هدین را بیس
ار چاپ به واداده ای و انفعول خویش اشکالات
آنها را گفته ولی شما ترسب انترناده ایو در
حای دیگر هم ادنا کرده است که قبول چاپ نشاند
را حینه منی درود داده است . حقیقت فضاغی بوده ؟
جواب : بر آن "من این از آن گفته ای از کتابهای
ما زمان را کرده درون تشکیلات صیونستها در -
آمده بوده ریاست گردیم زمان در منفع - از ما خوا شد بود

**کتاب شناخت را "حجت الاسلام دعاغی" در نجف چاپ کرد و هزینه آنرا پرداخت
آقایان محمد منتظری و هاشمی رفسنجانی در سال ۵۴ می خواستند
از حیثیت مبارزاتی ما استفاده کرده ، مشترکا از دولت لیبسی یک
ایستگاه را دیویتی علیه رژیم شاه بگیریم ولی ما قبول نکردیم .
دلیل آن که محمد منتظری برای مارکسیست شدن ما می آورد نشان دهنده
ردالت او بود بیت طبقاتی اش با طبقه کارگر میباشد .**

آقایان تا این حد آنها را مسخ و فراموش کرده است؟!
با دیده منتظری گفت "معلات اندیشی و فرصت
طلبی چنان شمارا مسخ کرده است که فراموش میکنید
به انتقای همین آقای هاشمی رفسنجانی - که در سال
۵۴ به خارج آمده بود - از ما شما بنندگان معا هدین
(که حالا میگویند آنها را منحرف مندا نشسته باشند)
خوانند که با هم در مواقع به اعتبار و حیثیت ما بیسه
نسبی بر او دولت آنجا یک بر ما به را دیویتی فازی
بگیریم ولی ما چون با دیگر نظریه های مبارزانه لیبسی
فلا نوافقی نه همان منطوری کرده بودیم شما خواب
منفی دادیم .

اگر خودتان دروفا نشاندن و ... حیثیت و اعتباری
دا شد چرا بروی ما را میفوا شنیده و به انما له فرار
دهد تو مگر با دنا رفته است که فرار شما شرتیب نظر
مخصانه آقای رفسنجانی را به عراق برای دیدن آنت
- الله همینست . با درست گردن یک پاسپورت جعلی بدهیم
و من آمادگی خودمان را با گما ل میل اعلام گسردیم
یا سپورت را هم بر ما آماده نشود پولی بعد ایتان با
مفارت ایران در بیروت به ما ملت موسی مدرسه
نوافقی رسیده با همان پاسپورت ایرانی به عراق سرود
و دولت ایران موقع بازگشت مرا جفت نشود! امیری
که در خود شوال انگیز بود و هست .

آری آقای منتظری ! معا هدین که در آن زمان
جان برکت ما زده میگردید و خون مندا نفع و بنانه
اعتراغ همفکرانمان "حکم سورده ای زمان" زده اند
بر شما در ما بنندگان در بنجه ما زده می توانستید
فرمت شما نه ادما کنید که "فلا" اعلام هم مندا نشد
سا زده انقلابی و متشکل علیه رژیمها را به پیش برد .
معا هدین جان مندا نند شما در آن زمان تا نش را می -

به زبان ساده "مندا د" صیونیسیمها را فضاغ نمیکرد .
حدیث با انشما رو بر ما به داری در ما خویشا زان بود
که بنوا دنیا استدلالهای مذهبی خشتی شود از سوی دیگر
نسبو ما هرگز چنین نبود که بر اساس میل این با آن در
امول ایدئولوژیک و تشکیلاتیما ن تمیزی بدهیم -
هر چند که نفس نظرخواهی از همین کتابی در واقع جدا
از سبب خود سوروزانی ما زمان معا هدین نشود .

با دیده منتظری گفت شما اکثر چنین نظریه های
(که نه اندید و خودتان در آن روزها چنین جراسی منی
- دادند) ایرانیها دیدید "خودگنده بیستی" شما چنین
نظورنا نفعولی را در شما ایجا نگردید است یک غروب -
المنقل میگوید : "بنا را نفعل میگردید سوگه هم
بر با بنی و ایدئو نگرفت مرا هم نفعل کنید" انما
تشکیلاتیما در بنور میگردیم (و بر اساس باور و انظاط
ما زمان سیمان نفعل میگردیم) به از مثال منتظری که
آند را نفعاط سیاسی عقب ما مده میبود که رفتی بنا دنا را
خاش مندا نسیم او بدلیل منفا فله کاری و بنو هم فرده -
بوروزا شین امرا زده شد که " غیر - ما دنا تا کشیک
سیرد! " (حما غا طردا رندا!) (واما اینکه آقای منتظری
گفتند است "کتاب شناخت را" بصحبه منی دو مجتاپ
کرد "با بنده کوسیه که" (واما بنا عده ای از معا نترنفعواغ
ایرانی که نفعنا بصحبه منی در خارج ارکتسور (۱)
نفا لیبست میگردید همگاری هاشمی میگردیم اصل همگاری
ما با آنها درست بود چنانکه در نفعل دیگر همگاریمان
(۱) - "صحبه منی" منی که ما از یک با بنکا انقلابی با
آن سرزندی داریم و علیه آن مبارزه میکنیم و لیبسی
آقای منتظری و همگاران از با بنکا می ارتجاغی با آن
در افتاده اندما "صحبه منی" در خارج کشور سبسا ر
منفا و است .

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

پیکار

خوردید و قمعیزش را در میگردید و خودتان خوب میدانید و عمدتان مبارزهتان در این خلاصه میدانید که هر شش ما یک با را علامه ای را به انجمن از آیت الله خمینی می گرفتید و همان جوراک چند ما هتان بود و همین وضع ادامه داشت تا او اخرین اما حالا که بر سفره بعضی ای جنش انقلابی خلق شده ادبوی هیچ خلاصیتی سرگرمی فا تو نگذاری تکیه زده آید. انقلابیون بدنه اند و منحرف و هزار چهره دیگر! خصایبانان رفتند است که در سال ۵۲ از من خواستند که شما چند نفر دوستانان را به رفقای و یشتان می معرفی کنید و برایشان از رفتار ت جنبه آزادی بخش خوب و یشتان در سفا د وقت گرفتیم و آنچه میسر مترفی شدن میدادید!

در ادامه ۱۰ این چند نکته را هم خطاب به محسن منتظری (نکته هر چند کم اهمیت) اما فیه میگویم: مترفی شما می شما نمونه های دیگری هم دار که چون برای بعضی بریده نشان جالب است میگویم: با دتان همت که میگردید ما هم مان در یک پارک واقع در باب ترفی بغداد ما من فرار داشتید و سیگار روشن کردید و من که خود روزها را نبودم و وقتی نظرها من روزها خوار می دیدم شما تذکره می دادید، جواب دادید که "ما سر هستی؟ البته شما اکنون در شرایط مشابه تعلق زدن را "نجویز" مفرما شد! نمونه دیگر مترفی ناشی شما آن بوده که در جریان اعتصاب نذاری که منع رساندن رژیم شاه به مخالفت الله طالقانی و آیت الله منتظری و ... در مفرانجا دیده دانشجویان فلسطینی در بغداد، برپا شده بود و شما در آن شرکت داشتید ما دختران دانشجویی که به حمایت از اعتصاب کنندگان از محل اعتصاب دیده میگردید دست میدادید و حاضرین را از اینکه مترفی شما "به تعجب انداخته بودید که" خوانده دست دادن به دخترها؟! از نظر من آن "مترفی شما" تا حد گذشته و این مقدس شما می های امروزتان بی ارزش است و در واقع تان به ترویج روز خوردن است!

بر میگردید به بحث اصلی ما ن: در آن زمان ما در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی و ضد رژیم شاه و طبقه خود میدانستیم که ما کلیه نیروهای ما را در علیه رژیم در هر سطح من جمله منتظری در آن زمان همکار میگردیم برای آن همکارها - بطور کلی و در چارچوب یک سازمان مذهبی - نه پیشما نبودند منتهی ما داریم.

محمد منتظری عمدا "فراموش" میکنند که حتی سپس از اعلام موافق مارکسیستی از سوی بخش مستجاب ازس - مدخ ۱۰. خواهان حفظ روابط با ما نبوده است. من یکبار او را در پاریس دیدم یعنی دو سال پس از کناره گیری او از میدان. او بیشتر با ما توافقی شدن از شایگان با ما گلگه کرد و ما هم فراتر از این در دمشق (پشت تلفن خانه) گذاشتیم و گفت "گرکاری ما میان شما می (ا بوشریف امروز) دیدن ترمیم دیدن را بد هم "ولی چون آن شما می مربوط به ملاقات ترفیق علیرضا سیاسی و سیاسی زمانی می شده رفیق مامدنی بود که به ایران برگشته بود و ملاقات استیضاتی جواب را به بعد موقوف کردم.

بله، این آقایان پس از وار شدن بر ایران یکس قدرت و برگرده مردم ما تحت از پیشروی انقلاب (هر چند موقت) در ما ندگی های گذشته تان را فراموش می

کمیته گرش خودتان در پاریس بر نیروهای ایرانی را از ما ندگی سرود و تبلیغ تان این پس بر کسی می کشید این آقایان به عنوان بنده های شیخ میبودند و بنده های شیخ نیستند. خلیفت بزودی بر نو ده ها آیتکار خواهد شد.

سوال: منتظری در همان بنا چه این گفته است که شما "با دختر سر برادرهای ارتش ضد خمینی در پاریس همگاری میکردید". همچنین گفته است "دختر برادرهای خمینی یکی به ما رسان سیکار رفت و یکی به "سار" سرخ" و اینها قسم ماثول شیت بودند و اصولا ما تونستیم در چارچ از کشور هم تان در خط آمریکا بودند و ما تنها هستند که کارها یگان را به گردنشان انحصال دادند. "و در جای دیگر گفته است "آن پس بنده اصطلاح گروه سیکارکا ملا در خط ما مثل مارکسیستی و ما مثل جنسی (!) و سارهای ما را نشانی افتاد (!) بعد این حرفها جدیدی می شنید؟

جواب: میبینید که چقدر بهرت و بلاست. اگر او را از ما ترفید میگردید تا به حد بود که در وقت گفتن جنس "دختر" به معنای علمی ما می برادر و عدالت نشان می دهد که تف ما و این آقایان در مقابل هم فرار دارند و این سخن بخودی خود نیست است. این دروغ ها و شبهه های بی پایه برای هر کسی که می و هم روز ما سرا شناختن آن را است و تا ندی کشید فقط بسن در ما ندگی محسنت منتظری و امثالش در مقابل ما جنش خلق و کمینش نفوذ کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی است. اگر او درهای به "حرمت دروغ" که ادعا بش را دارد. بنده داشت تا به جنس حرفهای سرا با دروغ را نشنود! بنا واقعت این است که در ده سورژوا ها می که ما بر ما به داران متحد شده و در صف ضد انقلاب قرار گرفته اند و برای تحقیق بوده های زحمتکنند و ما خود همکار می که برای سرکوب کمونیستها و انقلابیون ما از شما بدتر در میان ما شد. از هیچ - آری از هیچ - ما نشانی علیه آتان خودداری نمی ورزند. حرفهای او همان داستان "خمن و خمین دختران ما و به "راستیا دنیا ورد. اولاً من دختر برادرهای خمینی خاش را نمی شناسم. البته اگر هم آنها وجود خارجی داشته باشند هرگز گناه عمویشان را بسپارن نشنودن نیست و به هیچ وجه من نمی در زمان ما نیست.

آیا ردیانه تریور سونا نه تارا این میشود که در رابطه با من کلمات "دختر" و "خمینی" ما واکی "را دیده کشید؟ و همینجا می برسم با طرح این دروغ از طرف آقای منتظری برای لایوتانی کردن شما می گردیم شما نه تان با یکی از کارمندان تفرات تا در مدتی شما آقای تریعت نیست؟! از طرف دیگر ما ربطی به سلا گروها ستاره سرخ ندا شده نیویا لآخره خط آمریکا کجا و ما کجاست؟! ما زود دلیرانه خلق کردیم و ما ست سرکوبگر است و به آمریکا علیه خلقهای ایران کجا؟! ما بنده واگفت: آقای خمینی، دنبال خط آمریکا در جا های دیگر غیر از دولت و توری انقلاب و مجلس تان نگردید. آب در گزوه است سپیده بگردجهان تریعت کاف است به سخن جوکر میسرید. آمریکا زکی شما نس (و زبردت سعودی) گوش کشید که ما اطلاع از ما جزای ت پست برده سیاست آمریکا. در ما علیه ما روزنامه السبانه چاپ کویت مورخه ۳۱ / ژانویه سال میگوید: "گرا آمریکا کشیا از خط رژیم جمهوری اسلامی غفلت

xalvat.com

کشید ایران چنان درسی به آتان (آمریکا شیدا) خواهد داد! دکه آنرا هرگز فراموش نباید کرد. به رژیم جمهوری اسلامی مصلحت میدهد که شک آستان تا جیب ایران است و امید میرود که بدون کمک خارجی بتواند چپ را سرکوب کند.

حالا شما نعل و آورده میزدید و با زمان سیکار در راه آزادی طبقه کارگر که سنگر مستقیم در دفاع از مباحث شده کارگردید و دیگر جنگستان است و سر سینه عشقش افندار می کشید آمریکا می معترض می کشید مگر به این است که مردم ما مثل آندو عالیشان دانند؟! تحول موع منتظری و امثال او از یک خمیسه - بورژوازی مذهبی که منحوی در تضاد و مبارزه با رژیم شاه فرار کرده اند به یک ضد انقلابی و ضد کمونیست کدیر آرییدن به قدرت حاصل شده است برای مسأ ما رگسینها نمی ندازد. ما از انان منتظری و طبقه وایدنولوژیست. به خصوص بین از یک تجربه طولانی در بنده مبارزه انتظاری پیش از حد فلسفی و مارکسیستی این نداریم. شما در طبقه ما که قبل از هر چیز آگاه گردیدن توده ها است و ...

تاقامین کار برای دکه داران، داشتن دکه ها حق مسلم آنان است